



قرآن درمانی در بوته نقد

حسن رهبری

کارشناس ارشد مدیریت

اشاره

در بعضی از کتب روایی و تفسیری، برای سوره‌ها و برخی آیات قرآنی، خواصی را آورده‌اند؛ برای شماری از آنها خاصیت اخروی و برای شمار دیگری خاصیت دنیوی و گاه خاصیت اخروی و دنیوی را توأمان نوشته‌اند. تردیدی نیست که قرآن کتاب دنیا و آخرت است؛ نسخه هدایتی است از جانب پروردگار عالم که راه رستگاری و سعادت دنیوی را به انسان می‌نمایاند و در آخرت، بندگان صالح و رهروان خالص را به درجات و پاداش‌هایی چندین برابر نوید می‌دهد و کافران و گنهکاران را متناسب با اعمالی که کرده‌اند تهدید می‌نماید.^۱ پس بشارت و نذارت، هدف و خصوصیت اصلی قرآن است و بدیهی است این دو ویژگی، خواص دیگری را در فکر، اخلاق، رفتار و کردار انسانی ایجاد کرده و او را متحوّل می‌نماید. هر چه انس انسان با قرآن بیشتر شود و با تدبّر خوانده شود، به همان اندازه نفوس رحمانی در او اثر کرده و به ویژگی‌های روحی برتری نائل خواهد شد.

رابطه روح و جسم

روح انسانی با پیوند به مبدأ خویش که همان نفخه رحمانی است، قالب تن را در سیطره خود گرفته و بدن سوی می‌راند که رضایت دوست در اوست. روح سالم همواره بدن سالمی را همراهی می‌کند. به عبارتی دیگر، روح سالم در بدن سالم است. امروز دانشمندان علوم پزشکی و روان‌شناسی بر این باورند که بیشتر بیماری‌های جسمانی علل روانی دارند. شماری از اختلالات عروقی و دماغی، سردردهای کششی، زخم معده، بیماری‌های قلبی، دستگاه گوارشی، ریوی، پوستی، غدد داخلی و ... نتیجه هیجانانگیز، اضطراب‌ها و نگرانی‌های مداوم روحی می‌باشند. (صانعی، ۱۰۰-۸۰)

دکتر «کارل» می‌نویسد:

«هر یک از فعل و انفعالات روحی در اعضای بدن تأثیر مستقیم دارد؛ مثلاً به طوری که همه می‌دانیم، در نتیجه اضطراب و نگرانی زیاد، تغییرات بزرگی در گردش خون ایجاد می‌شود؛ خوشحالی زیاد، پوست صورت را سرخ و خشم و غضب و ترس آن را سفید می‌کند ... فکر زیاد می‌تواند طبیعت خون و مزاج صاحب آن را عوض کند؛ ناراحتی زندگی، تحریکات پی در پی و نداشتن خیال راحت، حالاتی در روح انسان پدید می‌آورد که تعادل معده و روده‌ها و گردش خون را به هم می‌زند ... بعضی از پزشکان عقیده دارند که غصه‌های طولانی و نگرانی‌های مداوم، باعث بیماری سرطان می‌شود...» (الکسیس کارل، ۹۲/)

امروز دانش پزشکی، بیماری‌های عفونی و میکروبی و جراحات وارده از صدمات را به خوبی می‌تواند درمان نماید، ولی در معالجه بیماری‌های جسمانی که علل روانی دارند، مدت درمان را بسیار طولانی و گاه ناموفق نشان می‌دهد. زیرا در این نوع بیماری‌ها، علت بیماری مربوط به روابط ناسالم مادی بدن با دنیای خارج از آن نیست، بلکه در روابط ناسالم اخلاقی و معنوی خارجی با بدن انسان است. به بیانی دیگر، علت بیماری، استفاده از غذای فاسد و مضر یا پرخوری و امثال آن نیست، بلکه ناشی از عوامل غیر مادی یا امواج نامرئی است که سلسله اعصاب بدن انسان در ارتباط با دنیای خارج از آن متأثر می‌باشد؛ همانند ترس از آزمون‌های



کلاسی و دانشگاهی، در حالی که هنوز یک ماه به زمان آن مهلت باقی است و نگرانی و اضطراب مادر به دلیل تأخیر فرزندش در رسیدن از مدرسه و دیگر نگرانی‌هایی که از آمیزش تخیلات ذهنی و احتمالی انسان با محیط خارجی به وجود می‌آید، در حالی که هنوز چیزی واقع نشده است؛ و تأثیرپذیری انسان از واقعه‌هایی که در محیط بیرونی او اتفاق می‌افتد.

انسان گاه با دیدن صحنه‌ای یا شنیدن خبری به شدت می‌گرید و گاه با دیدن صحنه‌ای و شنیدن خبری به شدت می‌خندد، در حالی که این صحنه‌ها و اخبار در همگان تأثیر یکسانی ندارد، چه بسا تأثیر همان صحنه‌ها در افراد دیگر، درست برعکس آن باشد. خبر مرگ پادشاه ستمگری که اطرافیان و دار و دسته‌اش را به شدت می‌گریاند، جامعه‌ای را به شادمانی و پایکوبی و می‌دارد. پس نوع ارتباطات بدن انسان با دنیای خارج و نوع امواجی که از ذهن انسان فرستاده می‌شود و یا از محیط می‌گیرد، چگونگی واکنش مادی انسان را تنظیم می‌نماید؛ چنان‌که گاه عصبانیتی، انسان را می‌گریاند و گاه می‌خندانند؛ یا بسا خوشحالی که انسان را می‌خندانند و گاه می‌گریاند.

دل و دماغ، با توجه به تعاملات روحی انسان با محیط خارجی، چگونگی واکنش‌های جسمانی را در وجود انسان تنظیم می‌کند.

نقش ارتباطات معنوی در انسان

یکی از مؤثرترین روابطی که انسان با محیط خارجی خود می‌تواند داشته باشد، ارتباط انسان با ماورای هستی و پروردگار جهانیان است. چنین ارتباطی، در تنظیم حالات روحی انسان در برخورد با عوامل بیرونی و انواع هیجان‌ات و نگرانی‌ها به قدری عمیق عمل می‌نماید که یکی از عوامل پیشگیری بیماری‌های روانی یا روان درمانی به شمار می‌رود.

خواندن قرآن، نماز و دعا آن‌گاه که آگاهانه و با حضور قلب انجام می‌گیرد، قلب انسان را به نیرو و قدرت بی‌نهایت خالق هستی پیوند می‌زند و آرامشی را

ایجاد می‌نماید که بهبود دهنده بسیاری از نابسامانی‌ها و ناملايمات روحی انسانی است.

الکسیس کارل در این باره می‌گوید:

«دعا و نماز، قوی‌ترین نیرویی است که انسان‌ها می‌توانند ایجاد کنند ... نیرویی است که همانند جاذبه زمین وجود حقیقی دارد ... دعا و نماز چون رادیوم، منبع مشعشعی است که خود به خود تولید می‌شود.

از راه دعا بشر می‌کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدودی چون خدا افزایش دهد. وقتی که ما دعا می‌خوانیم، خود را به قوه محرکه پایان‌ناپذیر که تمام کائنات را به هم پیوسته است، متصل و مربوط می‌کنیم. ما دعا می‌کنیم که قسمتی از آن نیرو به حوائج ما اختصاص داده شود. به صرف همین استدعا، نواقص ما تکمیل می‌شود و با قدرتی بیشتر و حالتی بهتر از جای بر می‌خیزیم.

هر وقت با شور و حرارت، خود را در دعا و نماز مخاطب می‌سازیم، هم روح و هم جسم خود را به وجهی احسن تغییر می‌دهیم ... دعا کردن همچون دم زدن و آشامیدن هیچ‌گاه شرم‌آور نیست. اجتماعاتی که احتیاج به نیاش و دعا را در خود کشته‌اند، از فساد و زوال مصون نخواهند بود. آثار دعا و نیایش واهی و خیالی نیست ... دنیای علم از دنیای نیایش متفاوت است، اما با آن متباین نیست. نتایج دعا و نیایش را می‌توان از روی علم دریافت، زیرا نیایش نه تنها بر روی حالات عاطفی، بلکه بر روی کیفیات بدنی نیز اثر می‌کند و گاهی برای مدتی، بیماری را بهبودی می‌بخشد. این کیفیات هر چه قدر غیرقابل درک باشد، باید به واقعیت آن معترف بود. نیایش به آدمی نیروی تحمل غم‌ها و مصائب را می‌بخشد و انسان را امیدوار می‌نماید.» (صانعی، ۲۱۶-۲۱۵)

قرآن و آرامش روحی

در میان ادیان الهی، اسلام، بهترین، محکم‌ترین و دقیق‌ترین وسیله ارتباط با ماورای طبیعت را در دسترس دارد که همانا قرآن کریم است. در ادیان دیگر اگر



مفهوم ارتباطات معنوی و نوع اذکار و اوراد و مناسک مذهبی، ساخته و پرداخته ذهن بشری است - که دشواری ارتباط را به دنبال دارد، در اسلام، حقیقت انکارناپذیری است که آموزه‌های وحیانی در اختیار مسلمانان قرار داده و سهولت و آسانی ارتباط معنوی را فراهم نموده است. در ارتباط با خدای جهانیان، الفاظ و معانی قرآنی که کلام الهی است، از تأثیرگذاری بیشتری نسبت به دیگر الفاظ و معانی بشری برخوردار می‌باشد.

سخن گفتن با دوست با سخنانی که او دوست دارد، تنها با خواندن قرآن میسر است که سخن اوست و دست تحریف را به ساختش رخنه و راهی نبوده است. ورود به ساحت قرآن که پناهگاه محکم و قلعه متبرک الهی است، آن چنان فضای امید، اعتماد و اطمینان را در دل ایجاد می‌کند که دیگر هیچ رنج و دردی را یارای مقابله و دوام با آن نمی‌باشد؛

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد / ۲۸)

«آگاه باشید که دل‌ها با ذکر و یاد خداوند آرامش می‌یابد.»

بدیهی است که بهترین ذکرها همانا قرآن است:

﴿وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ...﴾ (انبیاء / ۵۰)

«این [قرآن] ذکر مبارکی است که نازل کردیم.»

﴿إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ لِحَافِظُونَ﴾ (حجر / ۹)

«ما قرآن را فرو فرستادیم و قطعاً نگهدار آنیم.»

امید به زندگی بهتر و امید به آینده بهتر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای است که از نگرانی‌ها کاسته و شادابی و طراوت روحی را در انسان زنده نگه می‌دارد. به ویژه آنجا که امید از جانب خدای قادر و توانا و مهربان نوید داده شود و با بنده خود چنین نجوا نماید:

﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾ (زمر / ۵۳)

«از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد.»

و از زبان حضرت یعقوب چنین می‌فرماید:

﴿لَا تَأْيِسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف / ۸۷)

«(در پیدا کردن یوسف) از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران از رحمت خدا مأیوس می‌شوند.»

بدیهی است صدور بیمه نامه‌ای با این صراحت و عطوفت از سوی خداوندی که به هر چیزی قادر و توانا می‌باشد، نه تنها بیماری‌های روحی را درمان می‌نماید، بلکه از پدید آمدن آن هم جلوگیری می‌کند.

قرآن درمانی در قرآن

قرآن، علاوه بر اینکه خود را مایه آرامش، تسلی خاطر و امیدواری معرفی می‌نماید، در آیاتی هم به شفا بودن خود تصریح دارد؛ چنان که گاه به بیماری‌افزایی خود نیز اشاره می‌کند.

آنچه در این جستار مورد توجه است، این است که قرآن کدام دردها را درمان می‌کند و کدام بیماری‌ها را شدت می‌بخشد؟

۱. شفا بخشی قرآن

قرآن، شفابخشی خود را تنها در بخش امراض قلبی اعلام می‌کند، آن هم نه قلب صنوبری شکل که به عنوان «تلمبه خانه خون» در بدن عمل می‌نماید، بلکه به معنای «مرکز تفکر و اندیشه» و «مرکز شناخت‌های غیر حسی و غیر عقلی». دلیل بر این معنا، آیات زیادی است که در قرآن آمده است:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ﴾ (ق/۳۷)

«در این (سرگذشت اقوام گذشته) تذکری است برای آن کس که عقل دارد.»

بدیهی است که همگان دارای قلب می‌باشند و کسی که قلب ندارد، اصلاً حیات ندارد تا چیزی را درک کند. پس کاملاً آشکار است که منظور خداوند متعال از قلب، شناخت‌های عقلی است.

﴿وَمَنْ يَكْتُمهَا فَإِنَّهُ آثَمُ قَلْبِهِ﴾ (بقره/۲۸۳)

«کسی که (شهادت را) کتمان کند، قلب او گناه‌کار است.»

﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا...﴾ (اعراف/۱۷۹)

«آنان قلب‌هایی دارند که با آن نمی‌فهمند.»



﴿وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾ (حجرات/۱۴)

«عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم، بگو: شما ایمان نیاورده‌اید، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم) در حالی که هنوز ایمان، وارد قلب شما نشده است.»
و ده‌ها آیه دیگر که حاکی از این است که قلب در قرآن به معنای مرکز پمپاژ خون نیامده، بلکه به معنای مرکز درک و احساس غیرمادی آمده است و از قلب با واژه «فؤاد» یاد نموده است.

پس با این معنای از قلب، می‌توان فهمید که منظور از «شفاء» در آیات زیر چیست:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ﴾ (یونس/۵۷)

«ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است، و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست.»

﴿و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (إسراء/۸۲)

«و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان نازل می‌کنیم.»

﴿قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَخْزِيهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ (توبه/۱۴)

«با آنان بجنگید تا خدا به دست شما عذابشان کند و خوارشان سازد و شما را بر آنان نصرت دهد و دل‌های مؤمنان را درمان نماید.»

﴿قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ﴾ (فصلت/۴۴)

«بگو: این (قرآن) برای کسانی که ایمان آورده‌اند هدایت و درمان است.»

در احادیث و روایات رسیده از معصومان عليهم السلام نیز شفای دل‌ها به معنای آرامش روحی، تقویت اخلاقی و افزایش معرفت در گرویدگان به دین خدا آمده است. عباراتی از حضرت علی عليه السلام در نهج البلاغه چنین است:

«وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰)

«از نور قرآن شفا بجویید که درمان دل‌های بیمار است.»

«فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِّنْ أَكْبَرِ الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النِّفَاقُ، وَ الْغِيُّ وَ الضَّلَالُ» (همان، خطبه

«همانا در قرآن شفای بزرگ‌ترین بیماری‌ها، یعنی کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت است.»

بنابراین قرآن برای معالجه و درمان نفس انسان‌های مؤمن، زدودن نابسامانی‌های روحی، تقویت هنجارهای درونی و تأمین و تثبیت مایه‌های ایمانی در قلب، داروی شفابخشی است که از سوی خداوند عالمیان تجویز شده است. بدیهی است بیماری‌های جسمانی هم که در اثر ناملايمات روحی پدید آمده باشد، به موازات درمان روحی، شفا یافته و از میان خواهد رفت.

۲. بیماری‌افزایی قرآن

قرآن مجید به همان مقداری که بیماری‌های روحی و روانی مؤمنان را درمان می‌کند، بر بیماری‌های روحی و روانی کافران و انکارکنندگان آیات الهی می‌افزاید. آیات زیر دلیل بر این مدعاست:

﴿وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى﴾ (فصلت/۴۴)

«و کسانی که ایمان نمی‌آورند، در گوش‌های (دل) آنان سنگینی است و قرآن برای آنان مایه کوری است.»

﴿وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ﴾ (توبه/۱۲۵)

«ولی کسانی که در دل‌هایشان بیماری (نفاق) است، (قرآن) بر پلیدیشان، پلیدی افزود.»

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا﴾ (اسراء/۴۱)

«به تحقیق ما در این قرآن (حقایق را) گوناگون بیان کردیم تا پند گیرند، ولی جز بر نفرتشان نمی‌افزاید.»

﴿وَتُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾

(اسراء/۸۲)

«از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم، ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.»

بنابراین بیماری‌های جسمانی نیز که به دنبال بیماری قلبی و روحی پدید می‌آید، آنان را فرا می‌گیرد.



قرآن درمانی در روایات

گفتیم که قرآن خوانی واقعی و یاد خدا، در اثر زدودن انواع نگرانی‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، ناامیدی‌ها و اندوه‌ها از قلب و روان انسان، بیماری‌های ناشی از آن را در روح و روان درمان نموده و انسان را به آرامش روانی سوق می‌دهد و به دنبال آن، بیماری‌های جسمانی را که منشأ روانی دارند برطرف می‌سازد. در کتاب‌های روایی و تفسیری، موارد زیادی می‌توان یافت که سوره‌ها، آیات و دعاهای بسیاری را برای درمان شماری از بیماری‌های روانی و جسمانی اختصاص داده‌اند و قرآن را در حد یک مغازه عطاری و داروخانه‌ای به تصویر کشیده‌اند که جای تأمل بسیار دارد.

ما در این مقال، بررسی دعاهای وارده را به مجال دیگر موکول می‌نماییم، اما در رابطه با سوره‌ها و آیات قرآنی، ناگزیر از بیان مواردی می‌باشیم که امید است روشنگری اهل قرآن را به دنبال داشته باشد.

خواص آیات و سوره‌های قرآنی که در آیینۀ روایات بازتاب یافته است، علاوه بر خواص اخروی و معنوی، خواص مادی و طبّی آنها را نیز بیان کرده است. چنان‌که در پیش گفتیم، منکر خواص آیات قرآنی نیستیم و تا حدی که می‌توان از قرآن تأیید گرفت، بی‌تردید می‌پذیریم، اما استفاده از قرآن به عنوان شربت مُسکّن، قرص سرماخوردگی، کپسول آنتی‌بیوتیک، داروی ضد درد و تب و حساسیت، رفع بی‌خوابی، بند آمدن خون دماغ، نفوذ در دربار پادشاهان، فروش کالاهای پسمانده، شوهر دادن دختران، جلوگیری از ورود حشرات به انبار غله، مصونیت از تمام دردها، شناخت دزد و غیره را که در روایات آمده است، تأمل برانگیز دانسته و در گنجایش این جستار، برخی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

سوره حمد، داروی تمام دردها به جز مرگ!

«عن اسماعیل بن أبان یرفعه الی النبی ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ لجابر بن عبدالله: یا جابر! ألا أعلمک أفضل سورة أنزلها الله فی کتابه؟ قال: فقال جابر: بلی بأبی أنت و امی یا رسول الله علمینها، قال: فعلمه الحمد لله امّ الكتاب؛ قال: ثم قال له: یا جابر ألا

أخبرك عنها؟ قال: بلى بأبي أنت و أمى فاخبرنى، قال: هى شفاء من كل داء إلا السّام
يعنى الموت.» (عبّاشى، ۱/۳۴)

«رسول اکرم ﷺ به جابر فرمود: آیا بهترین سوره‌ای را که خدا در کتابش فرستاده به تو بیاموزم؟ جابر گفت: بلی پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله- به من بیاموز. پس رسول اکرم سوره حمد را که ام‌الکتاب است به او آموخت. سپس فرمود: ای جابر! دوست داری از ویژگی آن برای تو بگویم؟ گفت: بلی پدر و مادرم فدای تو باد. حضرت فرمود: این سوره شفای هر درد و بیماری است جز مرگ.»

بررسی روایت

این روایت از چند لحاظ مورد اشکال است:

۱. راوی آن اسماعیل بن ابان، شخصی مجهول و ضعیف می‌باشد. (مامقانی، ۹/۳۵۰)
۲. روایت مرفوع است که سلسله اسناد آن مشخص نیست.
۳. خبر واحد است.
۴. متن آن مخدوش به نظر می‌رسد، زیرا سوره حمد از نخستین سوره‌های قرآن است که در مکه نازل شده و مسلمانان در نمازهای روزانه خود آن را قرائت می‌کردند. یاد دادن آن به جابر که در هجرت پیامبر ﷺ به مدینه از کودکان انصار بود، چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟! با توجه به موارد یاد شده، روایت مذکور از نظر اهل حدیث روایت ضعیفی بوده و قابل اعتنا و استناد نمی‌باشد.

آیاتی از سوره بقره، برای بیمه شدن در برابر بدی‌ها و شیطان!

«عن عمرو بن جمیع رفعه إلی علی^۲ قال: قال رسول الله ﷺ: من قرأ اربعین آیات من اول البقره و آیه الكرسى و آیتین بعدها، و ثلاث آیات من آخرها لم یر فی نفسه و أهله و ماله شیئا یرکبه، و لا یرکبه الشیطان و لم ینس القرآن.» (عبّاشى، ۱/۴۳)



«از پیامبر خدا ﷺ روایت شده که فرمود: هر کس چهل آیه از اول سوره بقره، آیه الكرسي، دو آیه بعد از آن و سه آیه از آخر آن سوره را بخواند، هرگز در خودش و خانواده‌اش و مالش بدی و ناراحتی نبیند و شیطان به او نزدیک نمی‌شود و هرگز قرآن را فراموش نمی‌کند.»

بررسی روایت

۱. راوی حدیث عمرو بن جمیع است که اهل حدیث او را در ردیف راویان مجهول و روایت او را ضعیف می‌شناسند. (خوبی، ۸۳/۱۳ - ۸۱)
۲. روایت به صورت مرفوع نقل شده و سلسله سند آن مشخص نیست.
۳. خبر واحد است.
۴. متن روایت که به سخن رمالان شبیه‌تر است، ساختگی بودن آن را برملا می‌نماید.
۵. با متن قرآن سازگاری نداشته و قرآن خود در همین سوره بقره چنین چیزی را رد می‌نماید، آنجا که می‌فرماید:
﴿وَلَنُبَلِّغَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِيرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۱۰۰)
«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان.»
از این رو، در حالی که تنها یکی از موارد بالا برای ضعیف و غیرقابل اعتنا بودن روایت کفایت می‌کند، دیگر موارد یاد شده هم هنگامی که او را کمک می‌نمایند، ساختگی بودن آن را بیشتر نمایان می‌کند.

سوره آل عمران، داروی ضد سقط جنین و ضد ریزش میوه‌های درخت!

«روی عن النبی ﷺ انه قال: مَنْ قَرَأَ هَذِهِ السُّورَةَ اعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ حَرْفٍ أَمَانًا مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ، وَإِنْ كَتَبَتْ بَزْعُفْرَانَ وَعَلَّقَتْ عَلَى امْرَأَةٍ لَمْ تَحْمَلْ، حَمَلَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، وَانْ عَلَّقَتْ عَلَى نَخْلٍ أَوْ شَجَرَةٍ يَرْمِي ثَمْرَةً أَوْ وَرَقَةً أَمْسَكَ اللَّهُ تَعَالَى.» (بحرانی، ۲۶۹/۱)

«از پیامبر روایت شده است که هر کس سوره آل عمران را تلاوت کند، خداوند به هر آیه‌ای از آن، امانی از آتش جهنم به او عطا می‌نماید؛ و اگر به زعفران نوشته و به زنی که حمل خود را نگه نمی‌دارد آویزان نمایند، حملش را به اذن خداوند نگه می‌دارد؛ و اگر به درختی که میوه یا برگ خود را نگه نمی‌دارد آویزان کنند، به اذن خداوند نگه می‌دارد.»

بررسی روایت

۱. این حدیث به صورت مرسل وارد شده و هیچ یک از راویان آن مشخص نمی‌باشند.

۲. خبر واحد است.

۳. زعفران در عربستان زمان پیامبر خدا ﷺ کالای نایابی است که دسترسی به آن بسیار مشکل بوده است، تا چه رسد به اینکه سوره آل عمران بدان نوشته شود.

۴. نوشتن آن در اوراق عصر رسالت که حجم زیاد و سنگینی را می‌طلبید، و آویختن آن از زن حامل در آن هوای گرم و خشک عربستان، چگونه ممکن بوده است؟ علاوه بر آنها از چه موقع و چند روز و چند ماه می‌بایست آویخته می‌شد تا مؤثر واقع می‌گردید. همان طور برای درخت؟!

حال بر فرض وارد نبودن دلایل اخیر، تنها دلیل اول و دوم برای ضعیف بودن و قابل اعتنا نبودن روایت بسنده می‌نماید.

سوره حمد و اخلاص، داروی تمام بیماری‌ها!

«عن محمد بن جعفر الترسی عن محمد بن یحیی الارمنی عن محمد بن سنان عن سلمة بن محرز عن الباقر عليه السلام قال: كلُّ من لم تُبرئهُ سورة الحمد و قل هو الله أحد لم يُبرئه شيءٌ و كلَّ علّة تبرأ بهاتين السورتين.» (حر عاملی، ۴/ ۸۷۴)

«حضرت امام باقر عليه السلام فرمودند: هر کسی را که سوره حمد و سوره اخلاص شفا ندهد، چیز دیگری او را شفا نخواهد داد؛ و هر دردی با این دو سوره درمان می‌یابد.»



بررسی روایت

این روایت هم همانند روایت قلبی به دلیل داشتن راویان مجهول در سلسله گویندگان آن و به دلیل خبر واحد، ضعیف بوده و قابل اعتنا نمی‌باشد.

سوره «یس» علاج همه دردها و بیماری‌ها!

«ابوبکر عن النبی ﷺ انه قال: ... من كتبها ثم شربها ادخلت جوفه ألف دواء و ألف نور و ألف یقین و ألف برکة و ألف رحمة و نزعته عنه کل داء و علة.» (طبرسی، مجمع البیان، ۷-۸/۶۴۶)

«از پیامبر خدا ﷺ روایات شده که فرمودند: هر کس سوره یاسین را بنویسد و سپس آن را بخورد، هزار دارو، هزار نور، هزار یقین، هزار برکت و هزار رحمت به بدن او وارد شده و همه بیماری‌ها و دردها از او کنده می‌شود.»

بررسی روایت

این روایت با توجه به مرسل بودن، مشخص نبودن سلسله راویان آن، خبر واحد بودن و تعارض با نصوص قرآنی، از اخبار ضعیف به شمار رفته و قابل اعتنا نمی‌باشد.

سوره سجده، داروی بیماری‌های قلبی!

«من خواص القرآن، روی عن النبی ﷺ : ... و من كتبها فی اناء و غسله و عجن به عجیناً ثم سحقه و اسفقه کل من به وجع الفؤاد زال عنه و برء بإذن الله تعالی.» (بحرانی، ۲/۱۰۵)

«پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس سوره سجده را در ظرفی بنویسد و آن را شسته و با آبش خمیر درست بکند و به روی پوست کسی که بیماری قلبی دارد بکشند، بیماری او به اذن خداوند برطرف می‌شود.»

بررسی روایت

۱. این روایت را تفسیر البرهان از کتاب خواص القرآن نقل کرده است. کتاب خواص القرآن، از کتاب‌هایی است که در قرن دهم نوشته شده است. به نظر می‌رسد که این روایت از تولیدات همان قرن بوده باشد، زیرا در کتاب‌های پیشین، سابقه‌ای از آن دیده نمی‌شود.

سابقه این روایات و بیشتر روایات مشابه آن به حدود قرن نهم و دهم هجری برمی‌گردد که نویسندگان چنین کتاب‌هایی، آنها را از اهل ذکر و عرفان [صوفیان] و حکمای هند اخذ کرده‌اند. (نک: آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ۲۷۰/۷ و ۲۷۳).

۲. از سلسله راویان حدیث هیچ کدام مشخص نبوده و روایت به صورت مرسل ضبط شده است.

۳. خبر واحد است.

۴. متن آن از لحاظ عقلی مورد پذیرش نمی‌باشد.

از این رو نه تنها روایت بسیار ضعیفی می‌باشد، بلکه در ساختگی بودن آن هم چندان تردیدی نمی‌تواند کرد.

سوره نصر؛ وسیله پیروزی بر دشمنان

«من قرأ «إذا جاء نصر الله» فی نافلة او فريضة نصره الله على جميع أعدائه.»

(طبرسی، مکارم الاخلاق، ۲/۲۱۷)

«هر کس سوره نصر را در نماز واجب و مستحب بخواند، خداوند او را بر

دشمنانش پیروز می‌کند.»

بررسی روایت

۱. این روایت بدون ذکر نام از امام معصوم و بدون سند وارد شده است.

۲. این روایت در کتاب «فقه الرضا» هم که منتسب به امام رضا علیه السلام است، بدون

سند آمده است. اهل حدیث، کتاب فقه الرضا را کتابی مجهول الحال دانسته و

انتساب آن به امام رضا علیه السلام را مردود می‌دانند. (جوادی آملی، ۱۶۶)



۳. این روایت در تعارض با آیات قرآنی است؛ زیرا قرآن برای پیروزی بر دشمنان، جهاد با جان و مال در راه خدا^۴، مقاومت^۵ و مجهز شدن به سلاح و مهمات^۶ را لازم دانسته است، نه ذکر و اوراد را به تنهایی!

۴. اگر پیامبر ﷺ یا امامان علیهم السلام گوینده آن هستند، چرا خود عمل نکرده‌اند و در جنگ‌های احد، صفین، مسکن (جبهه جنگ امام حسن علیهما السلام با معاویه)، کربلا و ... به پیروزی ظاهری نرسیدند؛ و امامان دیگر که همگی مقهور بنی‌امیه و بنی‌عباس بوده‌اند، چرا با خواندن این سوره پیروزی نیافتند و به دست دشمنان خود شربت شهادت نوشیدند؟!

دلایل ضعف و ساختگی بودن روایات مذکور و مشابه آنها

این روایات که به عنوان «مشت نمونه خروار» آورده شد، نشان می‌دهد که در میان روایات مربوط به خواص درمانی-جسمانی قرآن با روایات معتبری مواجه نیستیم. حتی در فضیلت و خواص بسیار مبالغه‌آمیز معنوی سوره‌های قرآنی هم وضعیتی بهتر از آن را مشاهده نمی‌کنیم، هر چند روایات صحیح و معقولی در بین آنها یافت می‌شود.

روایات در باب فضیلت سوره‌های قرآن را غالباً به «ابی بن کعب» نسبت داده‌اند. این روایات به دلایل زیر ضعیف و مجعولند.

۱. ابی بن کعب هر چند از اصحاب پیامبر ﷺ و از کاتبان وحی است، ولی تصریحی در توثیق او وارد نشده است.

۲. این روایات غالباً به صورت مرسل غریب المتن^۶ و موقوف^۷ وارد شده‌اند.

۳. مضمون آنها غالباً با قرآن و عقل در تعارض می‌باشند.

۴. خبر واحد هستند.

۵. در تاریخ به ساختگی بودن آنها اعتراف شده است.

ابن جوزی چنین گزارش می‌کند:

«روی عن المؤمل بن اسماعیل حدثنی شیخ بفضائل سورة القرآن الذی یروی عن

ابی بن کعب فقلت للشیخ: من حدّثک؟ فقال: حدّثنی رجل بالمداثن و هو حیّ،

فصرت الیه. فقال حدّثنی شیخ بالواسط و هو حیّ. فصرت الیه. فقال حدّثنی شیخ بالبصره، فصرت الیه. فقال حدّثنی شیخ بعبادان فصرت الیه. فأخذ بیدی فأدخلنی بیتاً فإذا فیہ قوم من المتصوّفة و معهم شیخ فقال: هذا الشیخ حدّثنی، فقلت: یا شیخ! من حدّثک؟ فقال: لم یحدّثنی احد ... ولكنّا رأینا الناس قد رغبوا عن القرآن فوضعنا لهم هذا الحدیث لیصرفوا قلوبهم الی القرآن...!!!» (رفیعی، ۱۵۳/)

«از مؤمل بن اسماعیل روایت شده است که گفت: شیخی مرا روایت کرد به فضایل سوره‌های قرآن که از ابی بن کعب رسیده. گفتم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ پاسخ داد: مردی در مدائن که در قید حیات است. آنجا رفتم و پرسیدم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ گفت: شیخی در واسط که زنده است. به واسط رفتم، گفت: شیخی در بصره. به بصره نزد او رفتم، گفت: شیخی در عبادان. نزد او رفتم، دست مرا گرفت و وارد منزلی کرد که در آنجا گروهی از صوفیان به همراه شیخی بودند. گفت: این شیخ مرا حدیث نموده است. به آن شیخ گفتم: چه کسی تو را حدیث نمود؟ گفت: هیچ کس، ما دیدیم مردم از قرآن روی گردانند، اینها را وضع نمودیم تا قلب‌هایشان جذب قرآن شود.»

در نقل دیگری به میسرّه بن عبد ربه گفتند: این احادیث را از کجا آورده‌ای؟ گفت: «وضعته أرغب الناس فیہ» (علامه امینی، ۲۶۸/۵)؛ آنها را برای تشویق مردم به قرآن ساختم.»

نوح بن ابی مریم یزید ابوعصمه (متوفای ۱۷۳ هجری) که شیخ کذابی بوده و همانند معلی بن هلال در فضایل سوره‌های قرآن ۱۴۰ حدیث وضع کرده است، (همان، ۲۶۹) چنین می‌گوید:

«ان رأیت الناس قد عرضوا عن القرآن و اشتغلوا بفقہ ابی حنیفہ و مغازی محمد بن اسحاق فوضعت هذا الحدیث حسبہ.» (همان، ۲۷۵)

«من دیدم مردم از قرآن اعراض کرده و سرگرم به فقہ ابوحنیفه و مغازی محمد بن اسحاق شده‌اند، از این رو این روایات را به عنوان عمل خدایسندانه ساختم!»
شہید مطهری در باب اینکه «هدف وسیله را توجیه نمی‌کند»، این گونه بیان می‌کند:



«... آیا برای هدف مقدس از هر وسیله ولو وسایل نامقدس و پلید می‌توان استفاده کرد یا نه؟ برای هدف مقدس از وسیله مقدس باید استفاده کرد، نه از وسیله نامقدس و پلید. مثلاً برای اینکه مردم را هدایت و راهنمایی کند، می‌آید حدیثی از پیغمبر یا امام جعل می‌کند، در حالی که غرض شخصی ندارد، بلکه غرضش هدایت مردم است، ولی فکر می‌کند که اگر چنین حدیثی را از پیغمبر یا امام برای مردم نقل کند، مردم بهتر می‌پذیرند. مثلاً [با خود می‌گوید] مردمی که این قدر غیبت می‌کنند و حرف لغو می‌زنند، خوب است برای اینکه غیبت نکنند و حرف لغو نگویند، من بیایم حدیثی جعل کنم در فضیلت فلان دعا، که مردم این حدیث را بخوانند و به جای حرف لغو و بیهوده، بروند دعا بخوانند، یا در ثواب قرآن بگویم اگر فلان سوره قرآن را چهل بار پشت سر یکدیگر بخوانید فلان اثر را دارد ...»

در تاریخ خیلی‌ها بوده‌اند که چنین کاری کرده‌اند... و من مکرر در کتاب‌ها خوانده‌ام. این حدیث را از ابی‌بن کعب^۱ نقل می‌کنند در فضایل مخصوص قرائت سوره‌های قرآن. مثلاً برای خواندن سوره «سبح اسم» فضیلت خاصی ذکر می‌کنند؛ سوره «هل اتیک حدیث الغاشیه» فضیلت و ثواب دیگری؛ سوره «لم یکن الذین کفروا» ثواب دیگری؛ سوره «بقره» ثواب دیگری، سوره «آل عمران» ثواب دیگری؛ برای هر کدام یک چیزی گفته‌اند، همه هم از پیغمبر روایت شده. شخصی رفت از آن کسی که این حدیث را روایت می‌کرد پرسید: آخر چطور است که فقط تو این حدیث را روایت می‌کنی و یک نفر دیگر غیر از تو روایت نکرده؟ گفت: راستش را بخواهید من این حدیث را برای رضای خدا جعل کردم؛ دیدم مردم در مجالس که می‌نشینند، شروع می‌کنند به افسانه‌ها و تاریخ جاهلیت را نقل کردن و اشعار جاهلیت را خواندن. دیدم وقت مردم دارد بیهوده تلف می‌شود. برای اینکه به جای این کار بیهوده، مردم را وادار به تلاوت قرآن کنم، آمدم این حدیث را از زبان پیغمبر گفتم، اینکه عیبی ندارد! (مطهری، / ۱۰۸-۱۰۶)

آری! حدیث، دوران درازی را سپری کرده که در آن، حدیث‌سازی، هم از سوی دشمنان و هم از سوی دوستان ناآگاه شدت گرفته است، چنان‌که هزاران حدیث جعل نموده و در کتاب‌های حدیثی وارد کرده‌اند. (علامه امینی، ۲۹۳/۵-۲۸۸)

آری! حدیث، دورانی را سپری کرده که در آن، مجتهدان عابد، زاهدان شب‌زنده‌دار و گریه‌کنندگان در هنگام تلاوت قرآن، دروغ‌گوترین افراد در حدیث‌سازی شدند و «قربة الی الله» از زبان پیامبر و ائمه علیهم‌السلام حدیث جعل کردند؛ و چه بسا که بر آنها سند ساختند و آنها را به ثقات از راویان منتسب کردند. (همان، ۲۷۷/۲-۲۷۵)

آری! حدیث دورانی را سپری کرده که در آن، یحیی بن سعید قطّان می‌گوید: «ما رأیت الصالحین فی شیء اکذب منهم فی الحدیث» (همان، ۲۷۵/۲)؛ صالحان را در چیزی دروغ‌گوتر از حدیث‌گویی ندیدم.

و قرطبی می‌گوید: «به احادیث و اخبار نادرستی که حدیث‌سازان در فضیلت سوره‌های قرآن و اعمال دیگر ساخته‌اند، نباید التفات کرد!» (همان)

حدیث‌سازی در قرآن درمانی

حدیث‌سازی در قرآن‌درمانی، وضعیتی اسفبارتر از حدیث‌سازی در فضایل سوره‌های قرآنی دارد، زیرا در فضایل سوره‌های قرآنی، احادیث معتبری که با قرآن و عقل در تعارض نیستند می‌توان یافت، در حالی که در روایات قرآن‌درمانی، نه تنها به روایت صحیح و معتبری که موافق قرآن و عقل باشد نمی‌توان رسید، بلکه زمان و محل پیدایش این احادیث هم بسیار تأمل‌برانگیز است!

احادیث قرآن‌درمانی به جز بسیار اندکی از آنها- سابقه‌ای بیش از هشت قرن را نشان نمی‌دهند. بعضی از تولیدات قرن هشتم هجری‌اند که غالباً در حلقه‌های صوفیانه-حکیمانه شبه جزیره هندوستان تولید شده‌اند. ابو عبدالله یافعی (۷۶۸-۶۶۸ق) آنها را از حکمای هندی اخذ نموده و در کتاب «خواص القرآن»^۹ خود جمع‌آوری کرده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۲۷۳/۷) دیگران، بیشتر از آن کتاب و



ترجمه آن استفاده نموده، سپس سخنان و تجربیات برخی از عالمان و عارفان را هم بر آن افزوده‌اند، چنان‌که گویی حدیث می‌نویسند و حدیث می‌گویند!

بزرگان اهل حدیث، همچون فیض کاشانی (م. ۱۰۹۰ق)، شیخ حرّ عاملی (م. ۱۱۰۴ق) و علامه مجلسی (م. ۱۱۱۱ق) آن روایات را در کتاب‌های روایی خود وارد نکرده‌اند. این کار شاید به دلایل زیر بوده است:

۱. دانشمندان یاد شده به کتاب «خواص القرآن» دسترسی نداشته‌اند.
۲. به دلیل مستند نبودن آن، اعتمادی بر آن نکرده‌اند.
۳. به ساختگی بودن آن اطمینان یافته‌اند.
۴. منابع روایی آنان کتب شیعی بوده، در حالی که این کتاب نوشته تمیمی شافعی می‌باشد.

اما در قرون بعد، بحرانی در «البرهان» و محدث نوری در «مستدرک الوسائل» بدون توجه به وضعیت حدیثی آنها، برخی از روایات آن کتاب را نقل کرده‌اند و در دو دهه اخیر نیز شدیداً با افزایش چنین کتاب‌هایی در پیشخوان کتابفروشی‌ها مواجه هستیم که از همان کتاب «خواص القرآن» یا «تحفة الغرائب»^{۱۰} و «خواص الآیات»^{۱۱} اقتباس کرده‌اند و چه بسا مطالب زیادی که جنبه حدیثی هم ندارد بر آنها افزوده‌اند. به دو نمونه در زیر توجه فرمایید:

۱. برای پیدا کردن چیز دزدیده شده:

«شب جمعه یا جمعه یا روز آن رو به قبله فاتحه خوانده شود، بعد شروع کند به سوره انعام تا آیه «مثل ما اوتی رسل الله» و بدون فاصله برخیزد دو رکعت نماز کند. در هر رکعت هفتاد حمد، هفت آیه الکرسی و هفت «انا اعطیناک» بخواند و بعد از فراغ به همان نحو رو به قبله بخواند «الله اعلم حیث ...» تا آخر سوره، بخواهد دزد برده را بیاورند.» (روستا، ۱۱۷)

۲. جهت رفع حالت تهوع

صاحب جامع الادعیه آورده: «اگر کسی حالت تهوع داشته و بسیار قی نماید، این آیه شریفه را بنویسد و بشوید و به او دهد که بخورد، شفا یابد: «وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِی الْخَلْقِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ». (حسینی غیائی، ۱۲۱/)

و ده‌ها خواص ساختگی دیگر که انسان از ساحت قرآن کریم بر بیان آنها شرم می‌نماید.

نتیجه

قرآن نسخه‌ی شفا بخشی است که دل‌های ایمانی را با جاذبه‌های الهی و معنوی به زندگی نیکو و حیات طیبه نوید می‌دهد. در قاموس قرآن، سلامت انسانی در سلامت روحی معنوی او خلاصه شده است. بیماری تن به عوامل طبیعی و مادی بستگی دارد که گریزی از آن نیست و گریبان هر کسی را می‌گیرد و چه بسا که مایه‌ی آزمایش و امتحان الهی می‌باشد.

بیماری‌ها دو گونه‌اند: بیماری‌های روانی و بیماری‌های جسمانی؛ و این بیماری‌ها گاه متأثر از یکدیگرند و چه بسا بیماری‌هایی که علل روانی دارند و با درمان آن بیماری روانی، بیماری جسمانی پدید آمده از آن هم بهبود می‌یابد.

قرآن به فرموده‌ی خود، شفا دهنده‌ی دل‌هاست. بدیهی است دل‌هایی که با خواندن و عمل کردن به قرآن به تزریق ایمانی می‌رسند، از بیماری‌های روحی زیادی در امان می‌مانند و به آرامشی می‌رسند که بازدارنده‌ی بسیاری از بیماری‌های روانی و جسمانی است. اما این گونه هم نیست که افراد مؤمن از امراض طبیعی و از ویروس‌های پراکنده در محیط در امان باشند، بلکه به دلایل گوناگونی بیمار می‌شوند و نیازمند طبیب و دارو می‌گردند.

خداوند متعال برای هر چیزی سببی آفریده و اقتضای مشیتش بر آن است که جریان امور از طریق همان اسباب تعیین شده انجام پذیرد و هر دری با کلید مخصوص خود گشوده شود، مگر اینکه اعجازی در کار بوده باشد که مراحل و موقعیت‌های خاص خود را می‌طلبد.

حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «أبى الله أن يُجرى الأشياء إلا بالاسباب فجعل لكل شيء سبباً وجعل لكل سبباً شرحاً وجعل لكل شرحاً مفتاحاً و...» (محمد بن حسن صفار، ۶/)



«خداوند پرهیز دارد از اینکه کارها را از مجرای غیر طبیعی خود اجرا نماید. از این رو برای هر چیزی سببی، و برای هر سببی گشایشی، و برای هر گشایشی کلیدی قرار داده است.»

کلید پیشگیری از بیماری، رعایت برنامه‌های بهداشتی، و کلید درمان بیماری‌های جسمانی، استفاده از داروهای ویژه آنهاست، هر چند که نقش دعا و ذکر به همراه مصرف دارو انکارناپذیر می‌باشد.

اما استفاده از سوره‌ها و آیات قرآنی صرفاً به جای عمل جراحی و داروی تب‌بر، رفع سردرد، مسهل، دفع یبوست، خواب‌آور، رفع دیابت و ... جز به وهن اسلام نخواهد انجامید.

روایاتی که برخی از کتاب‌ها در باب قرآن‌درمانی وارد نموده و بدان استناد کرده‌اند، از لحاظ علم حدیث‌شناسی فاقد اعتبار و اعتنا بوده و وضعیت روایی آنها به قدری مخدوش می‌نماید که جز ساختگی بودن آنها حاصل نمی‌گردد.

پی نوشت‌ها:

۱. ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/۵۷)؛ ﴿هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾ (لقمان/۳)؛ ﴿وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/۸۹)؛ ﴿لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (جاثیه/۱۴)؛ ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۱)
۲. شیخ صدوق این روایت را از علی بن الحسین علیه السلام نقل می‌کند. (ثواب الاعمال، ۲۳۴/)
۳. ﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (توبه/۴۱)
۴. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا﴾ (انفال/۴۵)؛ ﴿ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبْرُوا﴾ (نحل/۱۱۰)
۵. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ﴾ (انفال/۶۰)
۶. حدیث غریب‌المتن، حدیثی است که از طبقه نخستین فقط یک تن آن را نقل کرده است.

۷. موقوف: حدیثی که به صحابه برسد، خواه سلسله سند آن متصل باشد یا در بین قطع شده باشد.

۸. علامه شعرانی می‌گوید: گروهی گویند حدیث ابی بن کعب در قرائت هر یک از سور قرآن، ضعیف و مجعول است و جمعی ایراد می‌کنند که چرا بزرگان مفسرین، این حدیث فضایل را در تفاسیر آورده‌اند. اما ایراد، صحیح نیست، چون پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چیزی از ثواب شنید و بدان عمل کرد، بدان ثواب می‌رسد، هر چند چنان نباشد که او شنیده است و حدیث «ابی» چنان نیست که یقین به دروغ بودن آن داشته باشیم. (شعرانی، منهج الصادقین، ۱/ پاورقی صفحه ۵۶)

جالب است که مرحوم شعرانی در کتاب دیگرش بر این باور است که یک پنجم احادیث کتب شیعه، جعلی و وضعی است. (شعرانی، المدخل الی عذاب المنهل، ۲۷ و ۴۴)

با این حال هنگامی که روایتی از لحاظ علم حدیث‌شناسی و ظواهر آیات مجعول نشان می‌دهد، چه امید ثوابی بر آن مترتب می‌باشد؟

۹. این کتاب را «شیخ احمد سکاکی طبسی» با نام «الدرالنظیم فی خواص القرآن العظیم» در سال ۹۲۶ق به فارسی ترجمه کرده است (الذریعه، ۸/۸۳). بنا به نوشته شیخ آقا بزرگ تهرانی کتاب دیگری نیز در حدود ۹۹۰ق به همان نام توسط نویسنده ناشناسی به زبان فارسی نوشته شده و در مقدمه، آن را به یافعی تمیمی نسبت داده است که در تطبیق آن با متن عربی، معلوم می‌شود که انتساب آن به یافعی واقعیت ندارد. زیرا یافعی از مردم یمن بوده و تمام عمر خود را در حجاز و شام و قاهره گذرانده است و آشنایی او با زبان فارسی بسیار بعید است. ضمناً سبک نگارش آن از لحاظ ادبی به سبک صفوی نزدیک‌تر می‌باشد و با سبک قرن هشتم همخوانی ندارد. (نک: الذریعه، ۸/۸۵-۸۳)

۱۰. تفسیر «تحفة الغرائب» نوشته محمد بن ابی سعید هروی (م ۲۰۰ق) است که در یک جلد به زبان فارسی نوشته شده است. این تفسیر گزیده‌ای از تفسیر «جواهرالقرآن» احمد بن محمد تمیمی است که با افزوده‌هایی در ۱۲ باب تدوین یافته است. عناوین ابواب دوازده‌گانه آن چنین است:



۱. آیات و خواص سوره‌هایی در کشف قلوب و صفای باطن.
۲. آیات و خواص سوره‌هایی در طلب جاه و منصب عالی.
۳. آیات و خواص سوره‌هایی در گشایش کارها و فتح رزق و فتوحات.
۴. آیات و خواص سوره‌هایی در دفع امراض و بیماری‌ها.
۵. آیات و خواص سوره‌هایی در دفع سحر و جن و مانند اینها.
۶. آیات و خواص سوره‌هایی در دفع دشمنان و حسودان.
۷. آیات و خواص سوره‌هایی در ادای قرض و حفظ بدن.
۸. آیات و خواص سوره‌هایی در دفع حرام خوردن و ناسزا گفتن.
۹. آیات و خواص سوره‌هایی در اظهار دفاین و معادن.
۱۰. آیات و خواص سوره‌هایی در تسخیر ارواح و جن.
۱۱. آیات و خواص سوره‌هایی در محبت و الفت میان طالب و مطلوب.
۱۲. آیات و خواص سوره‌هایی در اوراد متفرقه به هر نیت! (نک: سایت اندیشه قم و الذریعه، ۴۵۶/۳)

۱۱. این کتاب، نوشته محمد تقی بن محمد باقر اصفهانی (م ۱۳۳۱ یا ۱۳۳۳ق) است که در سال ۱۲۹۹ق، بدون آوردن هیچ‌گونه سندی، نوشته شده و در صفحه ۲ یادآوری نموده است که این کتاب مطابق اهل ذکر و عرفان نقل شده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. اصفهانی، محمد تقی بن محمد باقر؛ خواص الآیات، تهران، انتشارات ادیبه، ۱۳۴۵ش.
۳. امینی، عبدالحسین؛ الغدير، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۸۷ق.
۴. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالهادی، ۱۴۱۲ق.
۵. تهرانی، آقابزرگ؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
۶. جمعی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۷. جمعی از نویسندگان؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله؛ کتاب الخمس (تقریر ابحاث سید محمد محقق داماد)، قم، دارالاسراء، ۱۳۷۶ش.
۹. حسینی غیاثی، سید محمد رضا؛ مفاتیح الحاجات، قم، انتشارات صفی، ۱۳۷۶ش.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، تصحیح و تعلیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق.
۱۱. خوبی، سید ابوالقاسم؛ معجم الرجال الحدیث، بیروت، بی نا، ۱۴۰۳ق.
۱۲. رفیعی محمدی، ناصر؛ درس نامه وضع حدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ش.
۱۳. روستا، محمد رضا، شفاخانه قرآن، بی جا، مهتاب، ۱۳۷۹ش.
۱۴. شعرانی، میرزا ابوالحسن؛ المدخل الی عذب المنهل، تحقیق: رضا استادی، قم، بی نا، ۱۳۷۳ش.
۱۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی؛ التوحید، تصحیح و تعلیق: سید هاشم حسینی تهرانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۵۷ش.
۱۶.؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه: علی اکبر غفاری، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۳ش.
۱۷. صانعی، صدر؛ آرامش روانی و مذهب، قم، پیام اسلام، ۱۳۵۰ش.



۱۸. صفار، محمد بن الحسن؛ بصائر الدرجات، تعليقات: میرزا محسن کوچه باغی تبریزی، تبریز، بی‌نا، ۱۳۸۱ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ق.
۲۰.؛ مکارم الاخلاق، ترجمه: سید ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۵ش.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۲۲. کاشانی، ملا فتح‌الله؛ منهج الصادقین، تصحیح و تعلیق: حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۴۷ش.
۲۳. کارل، الکسیس؛ انسان موجود ناشناخته، ترجمه: عنایت، بی‌جا، انتشارات شهریار، بی‌تا.
۲۴. کوفی، محمد بن محمد بن اشعث؛ الجعفریات (الاشعثیات)، تهران، مکتبه نینوا الحدیثه، بی‌تا.
۲۵. مامقانی، عبدالله؛ تنقیح المقال فی علم الرجال، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۲۴ق.
۲۶. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۷. مطهری، مرتضی؛ سیری در سیره نبوی، قم، صدرا، ۱۳۸۶ش.
۲۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، ۱۴۰۸ق.